

# سُورَةُ الشَّمْسِ ٩١

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام یگانه خدای جهان که بخشایش و مهر او بی‌کران

وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا

﴿١﴾

به خورشید و آن تابش و رفعتش قسم داده حق از ره رحمتش

وَالْقَمَرَ إِذَا تَلَاهَا

﴿٢﴾

به آن ماه و هم طلعتش در جهان که دنبال خورشید رود هر مکان

وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَاهَا

﴿٣﴾

به هنگام روز و فروغ تمام به سوگندی دیگر بداده پیام

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا

﴿٤﴾

به هنگام شب با چنان ظلمتش که پوشد سیاهی هم از حکمتش

وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا

﴿٥﴾

به آن آسمانِ رفیع در جهان و آن کس که برپا نمودش چنان  
وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَاهَا

﴿٦﴾

به سوگند دیگر به ارض و زمین که گسترده کرد بر یسار و یمین  
وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا

﴿٧﴾

بر آن نفسِ انسان که گیرد کمال بر آن آفریننده‌اش، ذوالجلال  
فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا

﴿٨﴾

به ذاتی که الهام را بر بشر بفرمود عطا، هم ز خیر و ز شر  
قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا

﴿٩﴾

قسم‌ها مکرر ز ذاتِ اله شود رستگار در صفِ متّقین  
وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا

﴿١٠﴾

به کفر و گناه هم اگر کس رسید زیانکار گردد ز فعلِ پلید  
كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا

﴿۱۱﴾

چو تکذیب کردند قومِ ثمود به جهلِ مرگب شدند رهنمود  
إِذِ انْبَعَثَ أَشْقَاهَا

﴿۱۲﴾

شقی‌تر ز این قوم و این جاهلون بشد رهبر و هادی و رهنمون  
که تا پی کند ناقه‌ی آن رسول چو صالح نبود نزد ایشان قبول  
فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا

﴿۱۳﴾

بفرمود آنکه رسولِ خدا که این اُشترِ ماده نزد شما  
بود آیتی از خدای وحید خدا را بترسید و آبش دهید  
فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمُ رَبُّهُمُ بِذُنُوبِهِمْ فَسَوَّاهَا

﴿۱۴﴾

ولیکن به تکذیبِ آن رهنما خداوند ز عدلش بر آن جملگی  
خداوند ز عدلش بر آن جملگی بشد واژگون شهر و ویران نمود  
نمودند پی، از عنادِ ناقه را هلاکت رسانید و افکندگی  
نپایید اثر هیچ ز قومِ ثمود  
وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا

﴿۱۵﴾

نبود خُوف و بیمی در آن روزگار عقوبت چنین شد ز پروردگار